

نقد هارمونیک شهر کرمانشاه

دکتر طهماسب علیپوریانی^۱

سید امیرحسین بنی اشرف^۲

چکیده

روی آوردن به زندگی شهری را یکی از نشانه‌های ورود به برافراشته شدن پرچم تمدن آن دیار می‌دانند که حداقل تأثیر زیست در فضاهای شهری، محیط و بستری در جهت شکل‌گیری بنیان‌های ذهنی و رفتاری افراد جامعه را فراهم می‌نماید و قطعاً در جامعه‌پذیری ایستارهای فلسفی و سیاسی مؤثر بوده‌اند. این پژوهش با تأکید بر اشتراک دو نگرش مدرن و سنتی نسبت به تاریخ زندگی بشر درباره ادعای قابل‌کشف بودن حقیقت، شهر را به‌عنوان مرکز شکل‌گیری زندگی مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنابراین حیات شهری با این رویکرد بررسی می‌شود که ساختیابی یک شهر صرف‌نظر از مورد ازدحام قبایل در منطقه‌ای خاص که آن را باید اجتماع روستاها و قبایل دانست آنجا که از چاشنی نظام اندیشگی برخوردار بوده است یا مبتنی بر یک گرایش فلسفی کلاسیک بوده، یا بهره‌مند از نظام سنجش پذیر مدرن می‌باشد. گرایش کلاسیک با تکیه بر یک کیهان‌شناسی و گرایش مدرن با تکیه بر نظام اعداد، نظم مبتنی بر هندسه را معیار منطقی بودن به معنای وقوف بر حقیقت و سازواری درباره یک مجموعه مثل شهر می‌داند. بر همین اساس این متن، هارمونی را به‌عنوان ارتباط اجزاء با یک کل در شهر کرمانشاه از منظر انطباق بر منطق در گرایش کلاسیک و مدرن به تحقیق می‌پردازد. فرضیه این پژوهش این است که شهر کرمانشاه، فاقد این دو مؤلفه‌ی پشتیبان نظری در بنیان زندگی شهری می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر فاقد هارمونی ذکرشده در شکل جغرافیایی و پراکندگی و توزیع جمعیتی است که رفتارهای سیاسی و اجتماعی نمود می‌یابد. سامان این پژوهش ضمن بررسی مؤلفه‌های نظم مدرن و کلاسیک به بررسی هارمونی هندسی در چندین شهر و سپس به مطالعه شهر کرمانشاه پرداخته و در پایان به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد می‌پردازد.

کلیدواژه‌گان: هندسه شهری، نظم هارمونیک شهر، زندگی شهری، کرمانشاه

^۱ - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی
^۲ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه رازی

۱- مقدمه

روی آوردن به زندگی شهری را یکی از نشانه‌های ورود به برافراشته شدن پرچم تمدن آن دیار می‌دانند که حداقل تأثیر زیست در فضاهای شهری، محیط و بستری در جهت شکل‌گیری بنیان‌های ذهنی و رفتاری افراد جامعه را فراهم می‌نماید و قطعاً در جامعه‌پذیری ایستارهای فلسفی و سیاسی مؤثر بوده‌اند. شکل شهر که رکن اساسی طراحی شهری به حساب می‌آید در حقیقت ظرفی است که امکان می‌دهد، فعالیت‌های شهری در آن به وقوع بپیوندد. اهمیت شکل شهر به خاطر عملکردهایی است که می‌تواند برای ساکنین یک شهر انجام دهد. بشر از همان ابتدای پیدایش جوامع و مجتمع‌های زیستی اولیه در پاسخ به یکی از اساسی‌ترین نیازهای طبیعی و فطری خویش سعی کرده است، محیط و دنیای ساخته شده خود را تحت کنترل درآورد. این کنترل که با توسل به وسایل گوناگون طبیعی، افسانه‌ای، مذهبی و عملکردی تحقق پیدا می‌کرده خود را به صورت نوعی «نظم»، الگو و شکل محیط زیست انسان منعکس می‌نموده است. بنابراین «نظم» یک اصل اساسی و بنیادی است که عامل اصلی کنترل و ادامه بقاء هر چیز می‌شود. ریشه این نظم از طبیعت ناشی شده و از آنجا به تمام فعالیت‌های بشر رسوخ پیدا کرده است. (بحرینی، ۲۳۹۸: ۱ و ۵۷) روند شکل‌گیری ساختار یک شهر از دو حالت خارج نیست. یا مبتنی بر گرایشات کلاسیک - صرف نظر از مورد ازدحام قبایل در منطقه‌ای خاص که آن را باید اجتماع روستاها و قبایل دانست- و یا مبتنی بر معیارهای قابل‌سنجش مدرن است. نقطه‌ی اشتراک گرایش مدرن و کلاسیک را نیز می‌توان ادعای کشف حقیقت دانست. آنچه برای هر دوی این گرایش‌ها نیز معیار رسیدن به معرفت در مطالعه‌ی یک مجموعه مانند شهر است، وجود نظم است. چنانچه گرایش کلاسیک بر کیهان‌شناسی و گرایش مدرن بر نظم مبتنی بر اعداد استوار است. فلذا برخورداری از لحاظ یک هارمونی به لحاظ هندسی ابزار سنجش انطباق با منطق به لحاظ سازواری و حقیقت است. به آن معنا که اجزای یک شهر، مثل کوچه، خیابان، میدان و... به‌عنوان جزء باید در ارتباط منطقی با کلیت شهر داشته باشند. نمود گرایش کلاسیک را می‌توان در شهرهایی مثل بغداد و همدان و گرایش مدرن را در شهرهای غربی همچون پاریس، آمستردام و کپنهاک مشاهده کرد.

مشخصه اصلی در طراحی شهری امروز باید هدفمند بودن آن و یا برقراری پیوند بین اهداف و طرح شهر باشد. (همان: ۵۳) در ایران یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند بر تغییر شکل هندسی یک شهر و هدفمندی آن مؤثر باشد، مهاجرت از روستا به شهر است. اصلاحات ارضی ایران با کنده شدن روستاییان از محل سکونت خویش و مهاجرت گسترده‌ی آنان به سوی شهرها همراه بود. در غرب کشور کرمانشاه یکی از نقاط مهاجرپذیر بود و رشد ۴٫۱ درصدی جمعیت را در فاصله‌ی ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تجربه کرد. مهاجران، کشاورزان دشت‌های اطراف بودند و برای یافتن زندگی بهتر راهی این شهر شدند. اما در این شهر زمینه‌ی پذیرایی از آن‌ها فراهم نشده بود. شهرسازان نیز از طریق «طرح جامع» استراتژی‌هایی را در پیش گرفتند که سبب طرد آنان شد. آن‌ها شهر را توسعه دادند و دشت بزرگ کرمانشاه را برای این منظور مورد تعرض قرار دادند؛ اما نه برای گروه مورد نظر ما که همان مهاجرین یا فرودستان هستند. گروه‌های هدف طرح جامع و برنامه‌های کلان مسکن و شهرسازی اغنیا، امرای ارتش، نظامیان و کارمندان دولت بودند. غیرصنعتی بودن کرمانشاه و نبودن امکانات شغلی امکان جذب مهاجرین را از بین برد. آن‌ها نتوانستند در شهر زندگی کنند و امکان بازگشت به روستا را نداشتند. بنابراین دست به تصرف عدوانی زمین‌های موات، اوقافی در مسیل‌ها، دره‌ها آن‌هم به صورت گروهی و دسته‌جمعی زدند. (قلی پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۵) این نوع توسعه ناموزون شهری به شکل «گسترش افقی شهر» که اصولاً در اراضی آماده‌سازی نشده شهرها اتفاق افتاد، افزایش زمین‌های بلااستفاده، افزایش سهم فضاهای باز، کاهش تراکم جمعیت، گسستگی بخش‌های شهری و جدایی‌گزینی اجتماعی را به همراه دارد. (تقوایی و سرایی، ۱۳۸۳: ۱۳۴ و ۱۳۵) جدایی‌گزینی شهری مفهومی است که برای نشان دادن جدایی بین گروه‌های

مختلف اجتماعی در یک محیط شهری استفاده می‌شود و به نسبت‌های متفاوتی در شهرهای بزرگ مدرن کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود دارد. (Massey and Denton, ۱۹۸۷: ۵۲) بدین صورت در کنار سکنی‌گزینی مهاجران در حواشی شهر، ساخت‌وسازهای حساب‌نشده‌ی دولتی به سمتی رفته است که نظم هندسی شهر کرمانشاه را دستخوش تغییر کند. پس ارتباط هر یک از اجزای جدید الحاق شده به شهر با کلیت آن محل سؤال است. بر همین اساس این پژوهش، هارمونی را به‌عنوان ارتباط اجزاء با یک کل در شهر کرمانشاه از منظر انطباق بر منطق در گرایش کلاسیک و مدرن به تحقیق می‌پردازد. فرضیه این پژوهش این است که شهر کرمانشاه، فاقد این دو مؤلفه‌ی پشتیبان نظری در بنیان زندگی شهری می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر فاقد هارمونی ذکر شده در شکل جغرافیایی و پراکندگی و توزیع جمعیتی است که رفتارهای سیاسی و اجتماعی نمود می‌یابد.

۲- رویکرد کلاسیک به شکل‌گیری شهر

انسان در اندیشه کلاسیک تمام مخلوقات را به‌صورت تجلیات وجود یگانه می‌بیند و در مسیر الهامی که با طبیعت در آن سهیم است به شباهتی در ساختار و تناسب میرسد که به‌وسیله‌ی ریاضیات سنجیدنی می‌شود. تمام مخلوقات انسان و طبیعت به‌صورت فرم‌هایی که می‌توان به‌وسیله‌ی قوانین ریاضی تشابه، تقارن و هندسه بررسی‌شان کرد، دیده می‌شوند. نظم و تناسب به‌صورت قوانینی جهانی دیده می‌شوند که انسان تلاش می‌کند به‌وسیله‌ی حساب، هندسه و هارمونی درکشان کند. (اردلان، بختیار، ۱۳۹۱: ۵۱) فیلسوفان کلاسیک هارمونی را، اصل ضروری حاکم بر یک شهر می‌دانند و آن را با بدن انسان متناظر می‌دانند. از این منظر، بدن انسان دارای شکلی از هارمونی به معنای تناسب جزء و کل است. بدین معنا که نظم جامعه تناسبی با نظم حاکم بر آدمی دارد. فیلسوفان یونان بدین منظور بر هندسه و اعداد تکیه می‌کنند. افلاطون هم در توصیف شهر آرمانی خود، آن را از لحاظ جایگاه‌ها مبتنی بر تناسب با بدن آدمی می‌داند. افلاطون علاوه بر این درباره‌ی شکل یک شهر نیز به‌طور محدود سخن می‌گوید. چرا که آنچه یک انسان را کامل و با فضیلت می‌سازد، کمال جسمانی و نفسانی در کنار هم هست. (پاپکین، ۱۳۷۸: ۱۰۲)

افلاطون معتقد بود سه نیرو انسان‌ها را برمی‌انگیزد: اشتها، روحیه و عقل و بر همین اساس جامعه را به صنعتگران، پاسداران و فرمانروایان تقسیم می‌کند. (عالم، ۱۳۸۹: ۸۵) برای افلاطون هماهنگی و تناسب در سرتاسر آفرینش، خواه معماری، هنر یا موسیقی باشد، کثرت چیزها را به حقیقت واحدی تبدیل می‌کند. ارتباط وابسته و هماهنگ اجزاء جهان دیدنی، خود انعکاسی از ارتباط هماهنگ مشابهی در جهان نادیدنی و نیز میان جهان‌های دیدنی و نادیدنی است. هماهنگی و تناسب ارتباط نزدیکی با نظم عالم دارند و بنابراین به مفهوم زیبایی‌شناختی زیبایی و کیهان هدایت می‌شوند. آفرینش زیبا است، زیرا به‌طور هماهنگ و متناسبی زیبایی الهی را، که مطابق آن ساخته شده است، منعکس می‌کند. (نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۸) او برای نظم دادن به شکل یک شهر هم، طرحی ارائه می‌کند که از ۵۰۴۰ فرد و خانه تشکیل شده باشد. او برای تحدید مدینه عدد سازی می‌کند و طُرفه اینک، شناخت ماهیت اعداد را وظیفه قانون‌گذار می‌داند که بدانند برای هر جامعه عدد مناسب کدام است. (افلاطون، ۱۳۸۴، ج ۴: ۲۰۳۸)

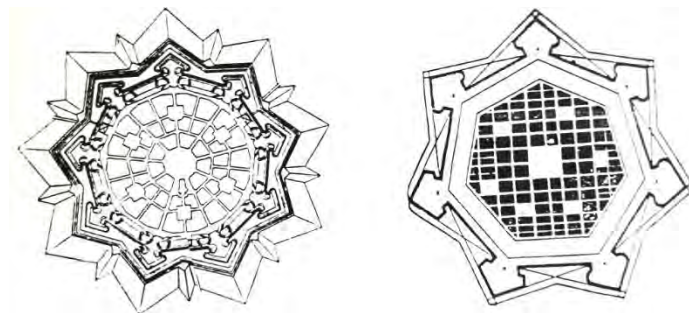
در ذهن بسیط انسان سنتی، نسبت‌ها و مفاهیم انسانی چنان بسط می‌یابند که دامنه وسیع کیهان را نیز در برمی‌گیرند و کیهانی که در این قلمرو شکل یافته و تصویر می‌شود، چون محصول جهان‌بینی این انسان است، تعریفی کاملاً انسانی می‌یابد. نظر بر این است که به همین دلیل بین مفاهیم کیهانی و انسانی در جهان‌بینی سنتی، اشتراک وسیعی به وجود

می‌آید. (بلخاری قهی، ۱۳۸۴: ۵) در کشورهایی که دارای پیشینه‌ی معماری قوی بوده‌اند، از دوران باستان تا رنسانس و دوران انقلاب صنعتی همواره از نظم سخن رفته است. بنا بر آنچه درباره تناظر با انسان و نظم کیهانی آمد، نظم به معنی وسیع کلمه مبین وضع یا کیفیتی است که دارای نظام و ترتیب باشد. حالتی به دور از آشفتگی و به هم ریختگی. رعایت مقیاس، اندازه یا مقدار تناسب در یکایک اجزای یک اثر و توافق آن‌ها نسبت به کل، موجد نظم است. نظم در معماری به معنای شکل و تطابق یا همخوانی کل است، نسبت به چند جزء و بازهمخوانی این اجزاء نسبت به کل. بدین ترتیب ساختاری ایجاد می‌شود که هیئت کامل است. در این ساختار هر جزء با جزء دیگر سازگار است، توافق شکلی دارد یا ساده‌تر بگوییم اجزاء با هم می‌خوانند. این تعریف مبتنی بر برداشت ارسطو از زیبایی است: «زیبایی عبارت است از هماهنگی و تناسب و نظم آلی اجزاء در کل به هم پیوسته.» تعریف ارسطو از زیبایی و وجود اصطلاح نظم در تعریف وی به نظریات فیلسوفان پیش از او همچون فیثاغورث درباره زیبایی برمی‌گردد. (توسلی، ۱۳۷۶: ۹۵ و ۹۶)

از نظر فیثاغورث همه چیز عدد است و واقعیت را می‌توان با عدد بیان کرد. (پالمر، ۱۳۸۸: ۴۰) در جهان سنتی، هندسه از علوم فیثاغورسی، یعنی حساب، موسیقی و نجوم، تفکیک ناپذیر بوده و معماری که با هندسه پیوندی نزدیک داشته، خالق اماکن مقدس و مهم و نمودی از حقیقت بوده است. در آن زمان انسان به وسیله معماری، نوعی تجلی آسمانی را برای خود فراهم آورد که بر زیبایی و تقدس تأکید می‌نمود. استفاده از هندسه در طراحی به عنوان هنر برای خلق شکل‌ها، الگوها و تناسبات، نقش معمار بزرگ جهان را به یاد می‌آورد، صور نوعیه را با نقش هندسی فرامی‌خواند که هندسه صعودی و معنوی را از عالم ماده بر اساس تقدس نمادین موجب می‌شود و احساس زبانی مشترک را پدید می‌آورد. نصرآبادی و همکاران، (۱۳۹۵: ۴۲) بهترین این نمونه‌های کاربرد هندسه در شهرهای یونانی و رومی و قرون وسطایی به کاررفته است. بعضی از اصول مذکور مثل مرکزیت از مفاهیم نجومی گرفته شده و بعضی بر اساس اصول خالص هندسی قرار دارند. مثل قرینه‌سازی و بالاخره برخی دیگر بر پایه استعاره‌ها و تشابهات بیولوژیکی و طبیعی استوارند. (بحرینی، ۲۳۹۸: ۱ و ۵۹ و ۶۰) واحد تشکیلاتی سیاسی در یونان قدیم، «شهر» بود و با وضع دنیای معاصر که «ملت» را به عنوان واحد تشکیلات می‌شناسند فرق داشت. (طاهری، ۱۳۸۹: ۲۱) هم‌زمان با پیدایش شهر-کشور در یونان بود که برای اولین بار روش‌های سیستماتیک شهرسازی معرفی می‌شود. با این حال از آنجا که تا این زمان یک مجموعه مدون و آکادمیک شهرسازی و طراحی ساخته نشده بود، شهرهای طراحی شده یونانی با وجود تمام آن نظم و روابط ظاهری که بین ساختمان‌ها دیده می‌شود، بر اساس اصول مدرن و آکادمیک شهرسازی و طراحی نقشه نبود و بر اساس مجموعه از تصورات و مفاهیم کلی و عملی بود و بعضی از این مفاهیم جنبه فلسفی داشت و وجود سه نظم در طراحی شهری پی گرفته می‌شد: نظم بصری، نظم هندسی و نظم ریاضی (همان: ۱ و ۱۳) در دوران امپراتوری رُم تعدادی معیارهای هنری کاملاً جدید به وجود می‌آید. یکی از موفقیت‌های عمده این دوره مقیاسی بود که در شهرسازی و طراحی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این دوره نیز قدرت امپراتوری اوج می‌گیرد و شهرها به صورت بخشی از یک امپراتوری بزرگ درمی‌آیند. طراحی شهری ایجاد نظم هندسی را به صورت فوق‌العاده تجویز می‌نماید. قرینه‌سازی خشک و محور سازی هر چه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد تا قدرت امپراتوری را منعکس نماید. انضباط و نظم شدید و قاطعی در هنر و معماری پدید می‌آید. (بحرینی، ۲۳۹۸: ۱۷)

در دوره قرون وسطی می‌توان تلفیقی از شهرهای طراحی شده و ارگانیک را مشاهده کرد که اولی تابع قواعد دقیق هنری بوده و دومی رشدی طبیعی و خودروپایانه داشته است. دو نوع بینش کاملاً متفاوت، یکی بینش کلاسیک که انسان را ایدئال خود

می دانست و دیگری بینش جدید این دوره که خداوند را ایدئال قرار می داد با یکدیگر برخورد کردند. با گذشت زمان و به پایان رسیدن قرون وسطی این دو نوع جهان بینی در یکدیگر ادغام شده و یک بینش جدیدی را به وجود آوردند. دوره های رنسانس با خصوصیات متفاوت خود (دوره اول، دوره میانی و دوره آخر رنسانس)، حاصل یک چنین روندی بود. در این دوره شهرهای ارگانیک که دارای نظم طبیعی بوده و به طور خودبه خودی و تدریجی رشد پیدا می کند، شکل غالب شهرهای اروپایی را به وجود می آورند. لیکن به هر جهت شکل این شهرها بشدت تحت تأثیر مهم ترین عامل نظم دهنده یا کلیسا قرار می گیرد. در دوره رنسانس، ایتالیا الگویی را بدعت گذاشت که اساس آن احیاء شکل های هنری کلاسیک یونان و روم باستان بود. از این پس انسان مرکزی هستی می شود. (شکل ۱) (بحرینی، ۲۳۹۸: ۲۲-۱۸) در جمع بندی می توان گفت که مهم ترین خصوصیت شهرهای سنتی، وجود ارتباط فضایی بین عناصر شهری است. تمامی عناصر و اجزای تشکیل دهنده شهر سنتی در ارتباط منطقی و حساب شده ای با یکدیگر هستند و همین وجود، ارتباط بین عناصر شهری است که سبب ایجاد دیگر خصوصیات شهر سنتی نظیر داشتن هویت، کلیت، فضاهای شهری و سلسله مراتب فضایی می گردد. (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۳) از نمونه شهرهای این دوره می توان به پارمانو، وین و زوریخ اشاره کرد. (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۳۶۱-۳۷۱)



شکل ۱
یک الگوی شهری کلاسیک
نمونه شهرهای ایده آل قرون وسطی

۲-۱- تبلور کلاسیک در شهرسازی اسلامی و ایرانی

مسلمانان در عرصه فکری فلسفه و علم دستاوردهای قابل توجهی در زمینه نجوم، ریاضیات، هندسه، نورشناسی، جغرافیا، پزشکی، کیمیاگری به دست آورده اند. علی رغم تأثیرات ایران، هندوستان، و دیگر تأثیرات شرق بر دنیای اسلام، دانش یونانی که ترکیبی از نجوم بطلمیوسی و فلسفه و فیزیک ارسطویی بود در نهایت بر دنیای اسلام قالب شد. (Akkach, 2005: ۳) در سرزمین های اسلامی، فلسفه نمی توانست گستردگی لازم را به دست آورد و به رغم کوشش هایی که در این زمینه صورت گرفت، در نهایت ناچار بود با رویارویی آشکار با دین، خود را به ورطه مخوف انکار و به تبع آن الحاد، دچار نسازد. عمده فیلسوفان بر این باور بودند که ذات وحی و سرشت عقل فعال نمی توانند، از هم بیگانه باشند، چراکه هر دو به گونه ای بر خواسته از حکمت متعالیه الهی هستند. (قادری، ۱۳۸۸: ۱۷۵ و ۱۷۷)

همه انگی جزو و کل و کثرت در وحدت در این حکمت نقشی اساسی را ایفا می کند: از نظر ابن سینا، هستی و مراتب آن از لوازم ذات حق است، اما این موجب تکثر در ذات الهی نیست. «لوازم ذات در وحدانیت ذات تأثیری ندارد و با آن، ذات مانند معقولات تکثر نمی پذیرد زیرا ذات، فاعل (موجد) آن هاست و از آن ها کمالی کسب نمی کند و انفعال نمی پذیرد» (ابن سینا، ۴۱۳ ق: ۳۶۶). ملاصدرا نیز، به این کثرت در وحدت باور دارد. از اندیشه ی ملاصدرا نیز چنین برداشت می شود که وظیفه معماری و شهرسازی نیز رسیدن انسان به معبود خویش است. در زیبایی شناسی فلسفی ملاصدرا، عشق که منشأ کلیه حرکات

انسان است، التذاذ است و التذاذ چیزی جز شعور و آگاهی به کمال و زیبایی نیست. بدین روی زیبایی معیاری اصیل برای هر چیزی است که مرتبط با سعادت و کمال انسان است. وی در تلاش بوده تا معماری را به تصویری از مراتب هستی مبدل ساخته و بیننده را از افق روزمرگی و وجود مادی به مرتبه‌ای عالی‌تر ارتقا داده و او را متوجه جهانی مافوق این جهان جسمانی سازد. (شجاع، ۱۳۹۴: ۹) بالتبع هنر اسلامی مکاشفه‌ای است از صور گوناگون هستی تا «حقیقت این صور» را در قالب کلام، موسیقی، تصویر، حجم و معماری به تجسم و نمایش گذارد و در روند این مکاشفه، حیات فردی و جمعی انسانی را برتر آورد تا آن حد که به غربت انسان پایان بخشد و قرب به آن یگانه برتر را میسر سازد (رهنورد، ۱۳۸۸: ۴۶) هنر اسلامی در اصل از توحید، یعنی از تسلیم در برابر یگانگی خدا و شهود آن حاصل می‌شود. جوهر توحید در ورای کلمات قرار دارد و خود را در قرآن به واسطه‌ی بارقه‌های ناگهانی و منقطع متجلی می‌سازد. این بارقه‌ها در ساحت تخیل بصری در صور بلورین، تبلور می‌یابد، و این صور هستند که به‌نوبه‌ی خود جوهر هنر اسلامی را پدید می‌آورند» (بورکهارت، ۱۳۷۰: ۲۶)

ا هدف غایی معماری پدید آوردن زمینه مناسب برای رشد و به ظهور رساندن عالی‌ترین استعدادهای عقلی و روحی انسان است تا بتواند مسیر رشد و تکامل معنوی و سیر الی اله را بپیماید. پس باید از هندسه و تناسب برای هموار کردن این مسیر به بهترین گونه بهره‌گیری کرد. رعایت تناسب و هندسه در بیشتر فرهنگ‌ها و شیوه‌های معماری نماد وحدت شمرده می‌شود. (نقره‌کار، عبدالحمید، ۱۳۸۷: ۴۷۹ و ۳۶۲) ز منظر حکمت، ادراک معماری و اجزایش وسعتی دوج جهانی می‌یابد. با وارد شدن به عالم عرفانی و شهودی سازندگان و عالم این جهانی آن‌ها درک صحیح ساخته‌های آن‌ها حاصل می‌شود. به عبارتی هر نوع شناخت از این گونه هنر و معماری، با شناخت عالم آن جهانی و عالم این جهانی آفریننده آن قابل درک و استنباط خواهد بود. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۲) و در این موضوع هندسه نقشی اساسی دارد. هندسه روحانی هر دین در آن تعبیه شده و هر دینی متضمن هندسه روحانی خود است. (مددپور، ۱۳۷۴: ۲۷۰) از نظر اسلام هنر الهی بیش از هر چیز نشان‌دهنده وحدت الهی در جمال و نظم عالم است. نمود این کثرت در وحدت را در هندسه دید. این شکل از هندسه و نظم در معماری و شهرسازی نیز باید تبلور یابد. «استفاده از الگوی هندسی هماهنگ در اجزا و کلیت بنا و فضاها داخلی و خارجی، در نمود بصری وحدت و حضور خداوند، حضوری که در همه جا محسوس است، مؤثر است. همچنین استفاده از هندسه مرکزگرا (برای مثال هندسه متمرکز در دایره)، در بیان بصری معنای وحدت در کثرت و کثرت در وحدت مناسب است.» (بمانیان و عظیمی، ۱۳۸۵: ۳۸) و بدین طریق ما از کثرت به وحدت می‌رسیم. هندسه به‌عنوان یک مفهوم ریاضی نقش اساسی در معماری سنتی ایران دارد، معماری ایرانی به‌طور طبیعی متمایل به هندسه است و هندسه نقش یکی از بانفوذترین عناصر را در سیستم ساختاری، فضایی و تزیینی معماری ایران بازی می‌کند. (Kiani & Amiriparian, 2016: 766)

انسان در نگرش اسلامی، موجودی است مرکب از جسم و چهار نفس گیاهی، حیوانی، عقلانی و روحانی است. با توجه به مفهوم حدیث «الدنيا مزرعة الآخرة» هدف بنیادی در ساختن و پدید آوردن کلیه پدیده‌های طبیعی و مصنوعی نظیر معماری، باید بر مبنای «عدل» یعنی قرار دادن هر چیز در جای مناسب خود ایجاد شود. یعنی ضمن تأمین نیازهای مادی انسان زمینه‌ساز رشد معنوی او نیز باشد. بنابراین علاوه بر تناسب مادی، تناسب در بعد معنوی نیز مهم است. معمار و شهر ساز باید بتواند فضا را همچون بستر و زمینه‌ای مناسب برای رشد و تعالی انسان طراحی نماید. (نقره‌کار، عبدالحمید، ۱۳۸۷: ۴۷۹ و ۴۸۳)

شهرسازی و معماری اسلامی و ایرانی هم از همین رویکرد متأثر شد. اعراب در نخستین قرن‌های هجری وارث فرم‌های معماری و دستاوردهای فن‌آوری ساسانیان و بیزانس و همچنین بناهای رومی و دوران مسیحیت بودند. آنان با استفاده از این

میراث و افزودن برنامه‌هایی بر مبنای ضرورت مذهبی جدید و شیوه‌های متفاوت زندگی، فرم‌هایی کاملاً بدیع و بکر در معماری پدید آوردند. امویان و عباسیان با معماری خود زبانی ساختند که بیش از هر چیز ویژگی‌های معماری بیزانس را حفظ می‌کرد. (استیرلن، ۱۳۸۱: ۲۹۳) اوج شهرسازی اسلامی را می‌توان در ساختار هندسی شهر بغداد مشاهده کرد که بنای آن در زمان عباسیان گذاشته شد. در ایران نیز عصر صفوی و به‌ویژه دوران حکومت شاه‌عباس که اصفهان را پایتخت خود قرار داد، اوج معماری را در فرهنگ شیعه که دامنه‌ی نفوذ آن تا ترکستان و از مرزهای امپراتوری عثمانی تا هند در مشرق گسترده بود، رقم زد. (همان: ۳۰۳)

درونگرایی و محرمیت دو اصل اساسی و بنیادی در معماری ایرانی - اسلامی است که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری سازمان فضایی شهرها و عناصر کالبدی بناهای سنتی ایران داشته است. از جمله فضاهایی که بازتاب دو اصل فوق‌الذکر به روشنی در فضاهای کالبدی آن قابل مشاهده است، خانه‌ها هستند. نداشتن ارتباط بصری مستقیم داخل خانه با فضاهای شهری و تقدس بخشیدن و حفظ حریم خانواده و فراهم کردن فضا و قلمرو محرم در عناصر فضایی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های خانه‌های دوران اسلامی ایران است. درونگرایی به صورت عدم توجه فضای درون بنا به محیط خارج تعریف و عمدتاً مرادف با سازماندهی حول حیاط خارج و جدایی فضاهای زنانه و مردانه دانسته شده است. منظور از محرمیت در فضای معماری و شهرسازی، کالبد دادن به فضا به گونه‌ای است که دارای حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد. حریم داشتن در حوزه کالبد فضایی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل خواهد داد و در حیطه معنایی ویژگی‌هایی است که حرمت و ارزش را برای فضای معماری به ارمغان آورد به گونه‌ای که فرد در آن به آرامش برسد. (تقوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۳ و ۱۲۹)

۳- رویکرد مدرن به شهرسازی

عالم مدرن به عنوان مظهر «حقیقت عصر جدید» تعریف جدیدی برای انسان مطرح نمود. این تعریف جدید به دنبال انقلابی که در انسان با ماسوایش ایجاد شد، بر کل یافته‌های او از عالم مؤثر افتاد. از آن پس یقین ناشی از ایمان، به یقینی که انسان ضامن و تأیید کننده آن بود مبدل گردید. دکارت با جابجایی دو واژه سوژه (ذهن) و ابژه (عین) طرحی نو را برای عالم در انداخت. انقلابی که دکارت به پا کرد، مشارکت انسان را در امر ادراک نظم، به برداشت ذهنی و حسی فروکاست. این نظم به علت فاعلی و متغیری که در خود آن‌ها انسان مدرن وجود داشت، معطوف گردید و ارتباط آن با عالم بالا قطع شد. دکارت به روال گالیله، ابعاد کیفی نظم در عالم را بی اعتبار شمرد و آن را با یک واقعیت متحرک که از طریق هندسه تبیین می‌شود، معادل گرفت. وی فیزیک را به ریاضیات تأویل کرد. لذا در نظر هندسی وی نظم در طبیعت چیزی جز نظم ریاضی نبود. (تقوایی، ۱۳۹۱: ۴۱)

قرار گرفتن انسان در مرکز هستی و اعتقاد به این نظم پس از انقلاب صنعتی شهرسازی را متحول ساخت. انقلاب صنعتی نقطه عطف عظیمی در شهرنشینی به وجود آورد. از خصوصیات این دوره تقسیم کار، تحولات تکنولوژی (بخصوص راه‌آهن)، تولد انبوه، تسلط صنعت و تجارت و حکومت منافع و سرمایه‌داری است. اثرات این خصوصیات عبارت است از گسترش شهرها، حاشیه‌نشینی، به‌جود آمدن محلات فقیرنشین، مسائل رفت‌وآمد، آلودگی‌ها، اختناق، جنایات و مسائل روانی و غیره. بر این اساس دوره جدیدی از بی‌نظمی در مجتمع‌های زیستی و بخصوص شهرهای صنعت زده پدید می‌آید که سامان دادن آن از عهده هنرمند و طراح سنتی خارج است. تجربه جنبش بارون هاسمن گواه بر این ادعاست. انگیزه این جنبش از پاریس ناشی

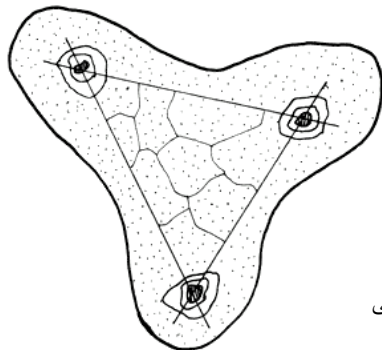
شد. به این ترتیب که بارون هاسمن شهردار پاریس با حمایت ناپلئون سوم، صدها خانه و ساختمان را در مرکز پاریس تخریب و صاف می‌نماید تا بلوارهای عریض جدیدی بسازد. کار هاسمن بعدها سرمشق و الگوی بسیاری از طراحان و مقامات شهری در سرتاسر دنیا گردید که منجر به تشکیل نهضتی شد بنام «نهضت زیباسازی شهر». اشکال اصلی این نهضت این بود که تمام ایده‌های آن بر اساس فرضیه غلط جبریت محیطی بنا نهاده شده بود. طراحان و شهرسازان این نهضت بر این عقیده بودند که اگر بتوانند شهرهای خود را مطابق شهرهای ایدئال رم بسازند، در این صورت جامعه کامل و ایده‌آلی پدید خواهد آمد. (بحرینی، ۲۳۹۸: ۲۲-۱۸)

هاسمن الگوی طراحی پاریس را از الگوی شبکه محور «باروک» گرفت. (شکل ۲) (بحرینی، ۲۳۹۸: ۲۶۶) تجسم فضایی طراحان دوره باروک از شهر، محلی بود خردگرایانه، واضح، منضبط در زمینه‌ای هندسی که آن را نمودی از قدرت و انضباط حاکم بر دولت می‌پنداشتند. در الگوی باروک نظم حاکم بر سازمان‌دهی میان اجزا دارای رابطه هندسی بود. (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۴۰۶) شهرهای دیگری همچون رم، هاناو، فرویدن اشتات و ورسای باروکی ساخته شده‌اند. (همان: ۴۲۵) الگوی طراحی همدان معاصر نیز الگویی باروکی است. از دیگر الگوهای طراحی شهری مدرن می‌توان به الگوی طراحی شهری خطی «سوریاماتا» اشاره کرد که معتقد بود، شهرهای آینده خیابان‌های طولی و کم‌عرضی هستند، که ساختمان‌ها دو طرف آن در یک مسیر ارتباطی واقع می‌شوند. شهرهای خطی مجموعاً و در کنار هم با یکدیگر مثل‌هایی اضلاع مثلث‌ها را به وجود آورد. این شهرها در نقشه اسپانیا یک شبکه وسیع از مثلث‌ها را به وجود آورد. (استروفسکی، ۱۳۹۵: ۱۸) (شکل ۳) استالینگراد و ورشو از شهرهای خطی هستند. همچنین می‌توان از شهرهای ستاره‌ای مثل مسکو، کپنهاک و ... یاد کرد. (بحرینی، ۲۳۹۸: ۲۴۴-۲۶۶) «لوکوربوزیه» این طرح را «طرحی برای یک شهر معاصر با سه میلیون سکنه» نامید. این طرح پژوهشی بود در باب محله مرکزی یک شهر بزرگ، با اداره‌ها، بناهای عمومی، بلوک‌های آپارتمانی و غیره. (شکل ۴)

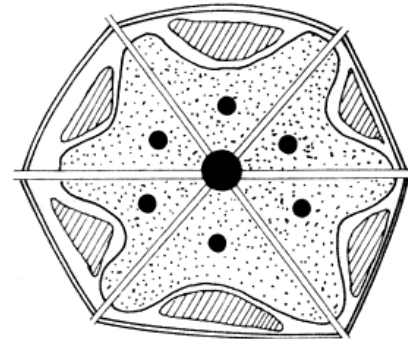
گرایش مدرن در شهرسازی در کنگره آتن به اوج می‌رسد. کنگره آتن طرح منطقی‌ای را صورت‌بندی کرد که بر اساس آن شهرها قادر خواهند بود چهار عملکرد حیاتی خود را که عبارت‌اند از: «مسکن، کار، تفریح و ارتباطات» به نحو احسن در بطن خود داشته باشند. (استروفسکی، ۱۳۹۵: ۷۴) برای نشان دادن اهمیت این منشور، موارد و اصول آمده در آن و برای پیاده‌سازی اصول شهر کارکردی، شهر ورشو پایتخت لهستان در سال ۱۹۳۴، یعنی یک سال بعد از اجلاس آتن مورد طراحی و آزمایش ایده‌های مدرنیست‌ها قرار گرفت. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۸۵-۳۶۵) فلذا طراحی شهری طی انقلاب صنعتی و در طول قرن بیستم، از تصور موفقیت علم الهام گرفت که به وسیله‌ی یک تصویر خودبینانه از انسجام برنامه‌ریزی‌شده به سمت نظم‌ی افراطی و در جهت تعادل و هماهنگی هدایت شده است.

در قالب چنین نظم، موازنه ماشین‌گرایانه یک سبک طراحی شهری مطرح شد. تعادل به‌عنوان یک مفهوم مرکزی ریاضیات و مکانیک به‌صورت تجلی خردگرایی در برنامه‌ریزی‌های شهری، نظم فضاهای شهری، شریان‌های حمل‌ونقل و کاربرد زمین‌ها در آمده است. (Akerman, 2000: 286) از این رو معماری از اجزاء مختلفی تشکیل شده است. ارتباط بین این اجزاء هم ارتباطی است منظم شده. این بدان معنی است که این اجزاء همگی زیرمجموعه یک نظام یا سیستم هستند. هماهنگی یکی از ارکان اصلی زیبایی‌شناسی معماری است و حوزه‌ی عمل آن به‌هیچ‌وجه محدود به ابعاد فضا نمی‌شود. مواد، رنگ‌ها، جنس، طرح ظاهری و غیره همگی باید با یکدیگر همخوانی داشته باشد و نیز لازم است که تابع نظمی برتر و فراگیر باشند. هماهنگی در ادراک بصری جدای از تعادل بصری نیست. (کورت گروتز، ۱۳۸۸: ۳۵۶ و ۶۶) شکل‌دهی شهر در دوران معاصر (انقلاب صنعتی)

زاینده‌ی تفکر تجددطلبی است که خواهان تبلور کلیه‌ی آرمان‌های دوران در شکل شهر است. شهری کنترل‌شده، منظم، ثابت، قاطع، منطقی، با کارایی و هماهنگ با سایر تحولات صنعتی روز. (بحرینی و حسینی وحدت، ۱۳۹۳: ۵۵۵)



شکل ۲
الگوی شعاعی لوکوربوزیه



شکل ۳
الگوی شبکه محور باروکی

شکل ۴
الگوی خطی سوریاماتا



۴- نمونه‌هایی از هارمونی شهری

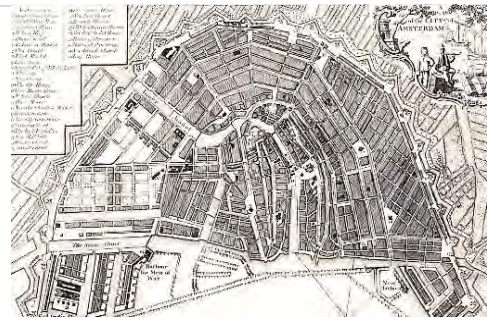
۴-۱- آمستردام نمونه‌ای از هارمونی شهری کلاسیک

آمستردام پایتخت هلند و پرجمعیت‌ترین شهر این کشور است. هسته‌ی اصلی این شهر تاریخی در قرون وسطا به وجود آمد و در قرن شانزدهم توسعه یافت و تبدیل به مهم‌ترین بندر تجاری اروپا شد. آشتی میان طرح‌های آرمانی برای شهر دوره‌ی رنسانس و محدودیتی که استحکامات باروی شهر به وجود می‌آورد، در آمستردام، یعنی یکی از مهم‌ترین شهرهای بندری شمالی اروپای آن زمان به وقوع پیوست. تحقق‌پذیری آن پس از پیش‌طرح‌های زیادی که تا ۱۶۰۹ میلادی تهیه‌شده بود، به‌تدریج تا سال ۱۶۸۰ انجام پذیرفت. اراضی شهر در پیرامون بافت قدیمی دایره‌ای شکل، با سدها، بندها، کانال‌ها، خیابان‌های مجود، توسط سه کانال پهن که نقش زهکش را نیز بازی می‌کردند، به‌صورت محدوده‌ای چندضلعی روی نقشه گسترش یافت. در دو سوی کانال‌ها و مسیر باریک کنار آن‌ها، ساختمان‌هایی مسکونی، پ‌انباردار (در زیر سقف) ساخته شد. با ایجاد کانال و خیابان‌های شعاعی شکل و همچنین پل‌هایی تاشو نیز رابطه‌ای بین نوارهای مابین کانال اصلی برقرار گردید. آب‌بندها، کانال‌ها و خیابان‌های موجود را مقابل جذر و مد محافظت می‌کردند و از دیگر سو، با کنترل آب کافی در کانال‌ها، امکان دسترسی کشتی‌ها و گاری‌ها به خانه‌های بازرگانان را تأمین کردند. استحکامات پیرامون شهر با طولی در حدود هشت کیلومتر با هشت باستیون شهر را در مقابل مهاجمین از طریق خشکی نفوذناپذیر کرده بود. با افزایش سطح شهر به سه برابر آن برای مدت‌های طولانی رشد و گسترش کالبدی شهر با رشد اقتصادی آمستردام هماهنگ ماند. خانه‌های ساخته‌شده در بخش گسترش‌یافته شهر، بر اساس توافق موجود میان شهروندان در حین کثرت، دارای وحدتی در منظر شهری آن زمان آمستردام بوده‌اند. (شکل

۵ و ۶) (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۳۷۲ و ۳۷۳)



شکل ۶
تصویر هوایی از آمستردام



شکل ۷
نقشه آمستردام

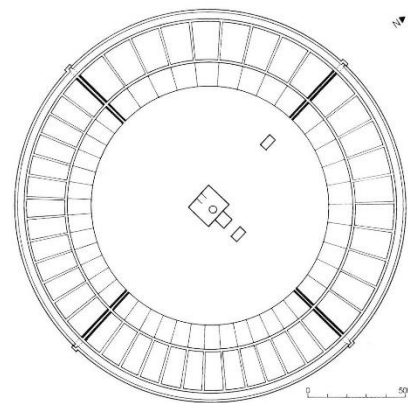
۴-۲- بغداد نمونه‌ای از هارمونی شهری اسلامی

بنیان‌گذاری شهر مدور منصور عباسی در سال ۷۶۲ میلادی، دوره‌ای باشکوه در تاریخ طراحی شهری بود. این شهر به مرکز فرهنگی جهان تبدیل شد. این دایره کامل نشانه احترام به آموزه‌های هندسی اقلیدس بود، که منصور در مورد او مطالعه و او را تحسین کرده بود. این شهر دارای یک تقسیم‌بندی شگفت‌انگیز است. یک محیط دایره چهار مایلی، دیوارهای آجری بزرگ که از سواحل دجله سر برمی‌افراشتند، نشانه شهر مدور منصور بودند. یک خندق عمیق دور محیط دیوار بیرونی حفر شده بود. چهار دروازه متساوی‌الفاصله در دیوارهای خارجی تعبیه شده بود و از آن‌ها جاده‌های مستقیمی به مرکز شهر ختم می‌شدند. دروازه کوفه در جنوب غربی، دروازه بصره در جنوب شرقی، هر دو رو به یک کانالی باز می‌شدند که شبکه از آبراهه‌ها بود که آب‌های رود فرات را به دجله می‌ریخت. دروازه شام (سوریه) در شمال غربی به جاده اصلی در مسیر استان انبار و در میان صحرا به سوریه ختم می‌شد. دروازه خراسان در شمال شرقی نزدیک دجله قرار داشت و به پلی ختم می‌شد که قایق‌ها از زیر آن عبور می‌کردند. هم‌راستای چهار جاده مستقیمی که از دروازه‌های خارجی به سمت مرکز شهر هدایت می‌شدند، گذرگاه‌های طاق دار، فروشگاه‌ها و بازار وجود دارد. خیابان‌های کوچک‌تر از این چهار شریان اصلی منشعب می‌شدند و دسترسی به یک مجموعه از میدان‌ها و خانه‌ها را فراهم می‌کردند. فضای محدودی بین دیوار اصلی و دیوار داخلی وجود داشت که تمایل منصور را به حفاظت از قلب شهر به‌عنوان یک مرکز پادشاهی نشان می‌داد. مرکز بغداد متشکل از یک محوطه مرکزی عظیم بود که مقر پادشاهی در قلب آن قرار داشت. حاشیه بیرونی برای کاخ‌های فرزندان خلیفه، خانه‌های کارکنان و خادمان پادشاه، آشپزخانه‌های خلیفه، آسایشگاه محافظان اسب‌ها و کارکنان حکومتی دیگر بودند. این مرکز صرفاً برای دو ساختمان مهم شهر تعبیه شده بود: مسجد بزرگ و کاخ طلایی خلیفه، یک نمود کلاسیک اسلامی از اتحاد بین مسئولیت دنیوی و معنوی. در تاریخ درباره این شهر آمده است که آن قدر دقیق است که گویی در یک قالب ریخته شده است. آخرین بقایای شهر مدور منصور در اوایل دهه ۱۸۷۰ تخریب شد، یعنی زمانی که مدحت پاشا، حاکم عثمانی، دیوارهای آسیب‌پذیری شهر را در جهت انطباق با نقاط مدرن سازی شده دیگر آن، تخریب کرد. (شکل ۷ و ۸) (Marozzi, 2016)



شکل ۷

نمای مدور شهر بغداد



شکل ۸

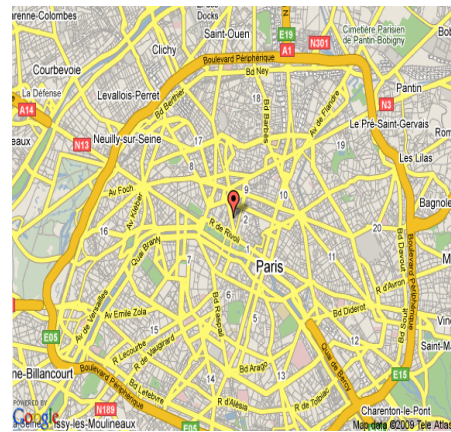
نقشه مدور شهر بغداد

۴-۳- پاریس نمونه از هارمونی شهری مدرن

وقتی بناپارت، نظام جمهوری را برانداخت، و نام امپراتور ناپلئون سوم را انتخاب کرد، پایتخت فرانسه از جمعیت بیش از حد، دود، آلودگی و بیماری رنج می‌برد. بناپارت در این فکر بود که چرا پاریس شبیه لندن نیست، شهری با پارک‌ها و باغ‌های بزرگ، خیابان‌های سه خطی و سیستم فاضلاب مدرن. او اعلام کرد که پاریس به نور، هوا، آب تازه و زهکشی خوب نیاز دارد. هوسمان ریاست سنا و نظارت بر برنامه ناپلئون سوم جهت دگرگون ساختن شهر را به عهده گرفت. هوسمان یک نوار را از میان ساختمان‌های بی‌نظم و تنگ در خیابان‌های پرازدحام مرکز شهر گذراند، ۱۲۰۰۰ ساختمان را تخریب کرد و فضا را برای کاخ گرانیر، خانه اپرای ملی پاریس، و بازار مهیا کرد و ترمینال‌های قطار جدید را به خیابان‌های طولانی، عریض و مستقیم ساخته شده پیوند زد. مجموعه برجسته مبلمان خیابانی هوسمان - تیرهای چراغ، کیوسک‌های روزنامه، نرده‌ها - و سکوهایی برای دسته‌های نمایش در ۲۷ پارک و میدان که او ایجاد کرد، کمتر شناخته شده هستند. در زیرزمین، هوسمان به نظارت بر استقرار شبکه فاضلابی پیچیده شهر، پرداخت. او همچنین آبنبارها و آبراهه‌هایی را به منظور آوردن آب آشامیدنی تمیز به شهر احداث کرد. به فرمان او، لامپ‌های گازی در سراسر خیابان‌های عریض و طویل و سنگفرش شده نصب شدند. خیابان‌های جدید با درخت‌ها و آسفالت‌های عریض و کافه‌ها تزئین و به‌زودی با هنرمندان زن و مرد پر شدند. او اولین توسعه‌دهنده شهری مدرن در جهان بود. (Willsher:2016) هاسمن آن نوع نظمی را که در طراحی شهر پاریس هدف قرار داده بود چنین توصیف می‌کند. «... آن نوع شهرسازی که هدف واضح آن این است که شهر بی‌نظمی را نظم ببخشد. و این نظم جدید با یک نقشه خالص و شماتیک نشان دهد که تفاله‌های شهر را که رسوبات و ته‌مانده‌های شکست‌های گذشته و حال هستند از آن بزدايد.» (بحرینی، ۲۳۹۸: ۲۲-۱۸) اتصال نقاط یادمانی مهم با ایجاد بلوارهای عظیم شهری با تخریب‌های وسیع بوده است. عمده‌ی اقدامات وی در پاریس حول محور طراحی فلکه، بلوار، پارک، خیابان‌های طویل و بی‌انتهای، تحت تأثیر شهرسازی دوران باروک با نماهای متحدالشکل و در قالب پروژه‌های عظیم شهری بوده است. از تأثیرات وی بر جنبه‌ی عملی طراحی منظر می‌توان به توجه بسیار به کریدورهای بصری، ایجاد هماهنگی در سیمای جداره‌ها با استفاده از طراحی در مقیاس بزرگ و واحد، استفاده وسیع و گسترده از نشانه‌ها در شهر با نشانه‌پردازی در طراحی منظر، ارتقای کیفی منظر شهری با استفاده از فضاهای سبز و محورهای سبز خطی و تسهیل و تسریع حرکت بین نقاط کانونی شهر اشاره نمود. (شکل ۹ و ۱۰) (عامری، سیاهویی و زند، ۱۳۹۳: ۱۷۰)



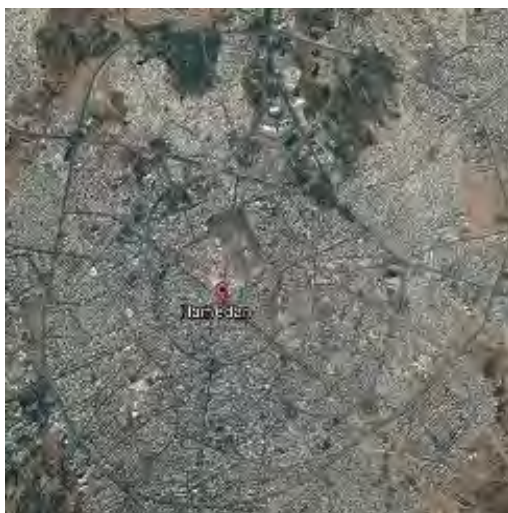
شکل ۹
تصویر هوایی پاریس



شکل ۱۰
نقشه هوایی پاریس

۴-۴-همدان نمونه‌ای از هارمونی شهری مدرن ایرانی

میدان مرکزی شهر همدان میدان بزرگی است که امروزه با نام «میدان امام» معروف است. طراحی و اصول خیابان‌کشی با انشعاب خیابان‌ها از این میدان دایره‌ای شکل به نحوی است که هرچه شهر گسترده‌تر می‌گردد، غیرمستقیم زیر نفوذ همین میدان مرکزی است. در حقیقت این طرح و نقشه از روز اول پیش‌بینی شده بود. طرح میدان امام در سال ۱۳۰۷ توسط مهندس معمار آلمانی «کارل فریش» تهیه و اجرا گردید. کار ساخت این میدان در سال ۱۳۰۷ شروع و در سال ۱۳۱۱ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. ب سرعت خیابان‌های انشعابی تسطیح گردید و بقول معمرین، شهر همدان در آن سالها روزهای پر جنب‌وجوش و پرتکاپویی را می‌گذراند. به باوجود قدمت تقریباً یک قرن هنوز این میدان علاوه بر جاذبه، موقعیت ارتباطی خود را با خیابان‌ها و بازار شهر حفظ کرده به‌عبارت‌دیگر هنوز توان پذیرش و تحمل بار ترافیکی مرکز شهر را دارد. شهر همدان بر روش طراحی شهرهای دایره‌ای یا متحدالمرکز استوار است که در اصطلاح به این‌گونه شهرها سبک باروک گفته می‌شود. شعاع میدان مرکزی همدان ۸۰ متر است. در فاصله‌های دورتر از محیط این میدان بلوارها و خیابان‌ها با شعاع بزرگ‌تر قرار دارند که در حال حاضر به علت توسعه‌ی شهر در برخی از جهت‌های شهر تا دایره‌ی سوم هم رسیده‌است. به این دایره‌ها در اصطلاح خیابان‌های کمربندی گفته می‌شود. شعاع‌های متعددی این کمربندی‌ها را به هم مربوط می‌نماید که در کم نمودن بار ترافیک شهر بسیار مؤثرند. محیط میدان امام شش خیابان سی متری به فاصله‌های شصت متر با شصت درجه منشعب می‌شوند که در نهایت به کمربندی اول می‌رسند. در اطراف میدان‌ها گنبدهایی با پوشش فلزی خوش‌نقش و نقره‌گون وجود دارند. در امتداد هر ضلع خیابان یک گنبد است که در مجموع ۱۲ گنبد اطراف میدان را در خود گرفته‌اند. بناهای اطراف میدان در فاصله هر خیابان همان بناهای هشتاد سال پیش است. بهترین مغازه‌های این شهر در قوس‌ها و کمانهای بین خیابان‌های این میدان قرار دارند. ورود به تمامی نقاط بازارها و راستا بازارها از همین میدان امکان‌پذیر است. (شکل ۱۱ و ۱۲) (جهان پور: ۱۱۵ و ۱۱۶)



شکل ۱۱
نقشه همدان



شکل ۱۲
عکس هوایی همدان

۵- کرمانشاه، شهری فاقد هارمونی

چنانچه تاکنون بیان شد، دو نگرش مدرن و سنتی نسبت به تاریخ زندگی بشر با ادعای قابل کشف بودن حقیقت، هارمونی را اصل ضروری برای یک شهر، به‌عنوان بستر شکل‌گیری زندگی می‌دانند. این به آن معناست که یک شهر فقط محلی برای اجتماعی از قبایل و روستاها نیست و برخورداری از یک نظام اندیشگی را طلب می‌کند. هارمونی به‌عنوان ارتباط جز با کل و یا به تعبیر ایرانی-اسلامی اش کثرت در وحدت معیاری برای منطقی بودن یک شهر به معنای وقوف بر حقیقت و سازواری است. این نظام‌های فکری پشتوانه، شکل‌گیری، اصلاح و توسعه شهرهای زیادی در دنیا بوده‌اند که خصیصه قابل توجه آن‌ها در رویکرد کلاسیک، مدرن و سنتی هارمونی و نظم هندسی است. امروزه این هارمونی و نظم حلقه‌ی محدود شهر کرمانشاه در شکل‌گیری و توسعه است.

کرمانشاه یک مرکز استانی درجه اول نبوده، شکوه و عظمت چنین شهرهایی را نداشته و هرگز پایتخت ایران نبوده است. مضاف بر این هیچ‌وقت مرکز مذهبی مشهوری نبوده و به همین خاطر همچون قم و مشهد جمعیت زیادی از زائران را به خود جذب نکرده است. این شهر از غربی‌ترین شهرهای ایران است و به‌عنوان دروازه غربی ایران در مسیر جاده بغداد-تهران به‌عنوان یک نقطه استراتژیک مهم در قلب منطقه ای کوهستانی محل زندگی عشایر، به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده قدیم ابریشم، گذرگاه زوار کربلای عراق بودن، توسعه یافته است. یافته‌ها گذشته سخت کرمانشاه نظیر چپاولگری، بطلان این واقعیت را آشکار می‌سازد که این شهر برای مدت طولانی چیزی بیش از یک روستای کردنشین بوده است. (کلارک، ۱۳۹۵: ۱۵ و ۱۶)

در کرمانشاه قدیم محله های مسکونی گرداگرد بازارها جای داشت. این شهر دارای ۵ محله علاف خانه، برزه دماغ، چنانی، جلوخان و فیض آباد بود. گرداگرد شهر حصار بلندی قرارداد داشت که در برخی نقاط آن برج و بارو قرارداد داشت و از طریق شش دروازه بانام‌های گاری‌خانه، چوب‌فروشان، فیض‌آباد، سراب، چنانی و چغاسرخ باشاهراه‌های ارتباطی بیرون مرتبط می‌گشت. عناصر غالب در ساختار محله شامل منازل مسکونی، راه‌های پرپیچ و خم، گذرها و میدان‌چه های محلی بود. شبکه راه های مذکور بسیار بی‌نظم بود و از خانه های ناهماهنگی ساخته شده بود. (ابادری، قلی پور، ۱۳۹۱: ۲۶ و ۲۸) اگرچه کرمانشاه در شیوه تولید پیشاسرمایه‌دارانه در سطح محلات دارای بی‌نظمی است، فضای اجتماعی شهر کرمانشاه متأثر از آموزه های دینی و تمایزات فرهنگی است و فضای شهری کهن را بازنمایی می‌کند. در بعد بازنمایی فضایی، نقش کیهان شناسی اسلامی برجسته است که در آن جهان مرکز دارد و خداوند به عنوان علت العلل ناظر تمام کائنات است. مصداق بارز این بازنمایی به لحاظ کالبدی حضور مسجد جامع، ارگ حکومتی و بازار در مرکز شهری است که اطراف آن چندین محله بسته و محصور قرارداد. فضای بازنمایی در شهر کهن کاملاً رنگ و بوی اسلامی دارد و تمامی رفتارهای افراد از قبیل دوستی و دشمنی، آشنایی و غریبگی، عضویت یافتن در گروه، تعلق به گروه، قلمرویی و یا حتی برساخت معنا، مبتنی بر تقابل های اسلامی نظیر مسلمان/ غیرمسلمان، زن/ مرد (محرمیت)، خودی (هم محله ای) / غیر خودی (محله های دیگر) است. به نظر می‌رسد رفتارهای خاص گرایانه قومی و قبیله ای و تضادهای آشکاری که در نتیجه آنها به وجود می‌آید از جمله مواردی است که با بازنمایی فضایی عام گرایانه اسلامی همخوانی ندارد. (همان: ۳۴ و ۳۵)

بر این اساس شهر کرمانشاه هرچند در سطح جزء و ساختار کوچه‌ها و خانه‌ها فاقد نظم بوده، از کیهان شناسی اسلامی برخوردار و از ویژگی های محرمیت و درونگرایی نیز برخوردار بوده است. در حالی که رفتارهای قومی قبیله ای با این نظم در تضاد قرار دارد. چنانکه از نقشه‌ی امروزی این شهر پیداست، از هیچ‌گونه طراحی شهری منظمی پیروی نمی‌کند. شهر دارای

هیچ نقطه مرکزی وحدت بخشی نیست و خیابان‌ها، میدان‌ها و سایر اجزای شهر هیچ‌گونه ارتباط منطقی با یکدیگر ندارند. کرمانشاه تشکیل شده از شهرک‌های زیادی است که هیچ‌یک از آن‌ها نه تنها دارای یک پیوستگی منطقی با یکدیگر نیستند، بلکه این پیوستگی را با هیچ محور، یا نقطه‌ی وحدت بخشی ندارند. مطابق آنچه شد در شهر کرمانشاه، ارتباط جزء با کل، یا کثرت در وحدت وجود ندارد. شهر به شکل نامنظم و بدون برنامه‌ای گسترش یافته و مهاجرت‌های گسترده از شهرها، شهرستان‌ها، و روستاهای اطراف و گسترش شهرک‌ها به این امر دامن زده است.

بر خلاف بسیاری از شهرهای ایران که آشکارا در مرکز نواحی جغرافیایی هستند، کرمانشاه کمتر مرکز اصلی و یا کانون مسیرهاست. این شهر در محل تماس دو گروه قومی یعنی حاشیه‌های جنوب کردستان و شمال لرستان قرار دارد. (کلارک، ۱۳۹۵: ۱۷) فلذا در معرض مهاجرت از این دو منطقه بوده است. با اصلاحات ارضی کرمانشاه یکی از نقاط مهاجرپذیر بود و رشد ۴۱ درصدی جمعیت را در فاصله ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تجربه کرد. مهاجران، کشاورزان دشت‌های اطراف بودند و برای زندگی بهتر راهی این شهر شدند. اما در این شهر زمینه پذیرایی از آن‌ها فراهم نشده بود و با نامهربانی روبرو شدند. شهر سازان نیز از طریق طرح جمع استراتژی‌هایی را پیش گرفتند که سبب تردد آنان شد. آن‌ها شهر را توسعه دادند. دشت بزرگ کرمانشاه را برای این منظور مورد تعرض قرار دادند. اما نه برای گروه موردنظر ما که همان مهاجران یا فرودستان هستند. گروه‌های هدف طرح جامع و برنامه‌های کلان مسکن و شهرسازی، اغنیا، امرای ارتش، نظامیان و کارمندان دولت بودند. غیر صنعتی بودن کرمانشاه و نبود امکانات شغلی، امکان جذب مهاجرین را از بین برد. آن‌ها نتوانستند در شهر زندگی کنند و امکان بازگشت در روستاها را نداشتند. بنابراین برای حفظ آبرو و خانواده به ناچار و برحسب ضرورت تاکتیک‌های زیادی را در پیش گرفتند تا بتوانند به این مهم جامعه عمل ببوشانند و به زندگی شهری بازگردند. تصرف ادوانی زمین‌های موات و اوقافی در مسیل‌ها، دره‌ها آن‌هم به صورت گروهی و دسته‌جمعی مهم‌ترین این تاکتیک‌ها بود. نتیجه‌ی این تلاش‌های بی‌امان در کرمانشاه شکل‌گیری چهار سکونتگاه غیررسمی جعفرآباد، شاطرآباد، دولت‌آباد و کولی‌آباد بود. (قلی‌پور ۱۳۹۳: ۸۳ و ۶۴) بدین جهت شهر از طرف حاشیه‌ها نیز بدون هیچ‌گونه انطباق باکلیت شهر رو به گسترش نهاد و این عدم هارمونی در هندسه، عدم هارمونی در تراکم جمعیتی را به همراه داشت. این موضوع به میزان زیادی پایند جدایی‌گزینی قومیت‌ها در نقاط مختلف شهری است. (شکل ۱۳ و ۱۴) البته این هارمونی در سطح جزء در محلاتی همچون ۲۲ بهمن وجود دارد اما در کل مشاهده نمی‌شود. بر این اساس عدم هارمونی در شهر کرمانشاه با استناد به نقشه‌ی این شهر، می‌تواند مشکلاتی از این دست را به همراه داشته باشد:

۵-۱- توزیع و تراکم نابرابر جمعیت:

چنانچه آمد، فقدان هارمونی هندسی در شهر کرمانشاه، با فقدان توزیع و تراکم جمعیتی هارمونیک همراه بوده است. بدین معنا شرایطی فراهم می‌شود، که میان نقاط مختلف شهر در این باب، هماهنگی وجود نداشته باشد. در حال حاضر در نقاطی از شهر کرمانشاه مانند خیابان کسری و شهرک‌های اطراف آن این تراکم ناخوشایند به‌وضوح قابل‌مشاهده است و علاوه بر سیستم اجرایی، هزینه‌های زیادی را متوجه مردم کرده است.

همان‌طور که از نقشه کرمانشاه پیداست درحالی‌که در نقاطی شاهد فضاهای خالی فاقد جمعیت هستیم، در نقاطی دیگر شهر به دور از هرگونه قاعده‌ای گسترش یافته و بعضاً به‌صورت شهرک‌هایی از دل شهر بیرون آمده است. علاوه بر این نقاط شمالی کرمانشاه دارای ظرفیت مناسبی برای جایگیری جمعیت شهری است، اما برخلاف قاعده، ساختار قابل‌توجه کرمانشاه در سمت

جنوبی آن قرار گرفته است و بافت شمالی آن همچنان بافت و ساختار روستایی خود را حفظ کرده است. ناصرالدین‌شاه در سفرنامه خود به عتبات عالیات و شرح بازدید از کرمانشاه و طاق‌بستان در شمال کرمانشاه، ضمن شرح موقعیت و شرایط طاق‌بستان اعم از سراب و آبشار و ... ، بیان می‌دارد که بافت روستایی پیرامون آن، باعث ضایع شدن طاق‌بستان است. و باید این آبادی را برداشته و به پایین‌تر منتقل کنند. (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۲: ۵۴)

۵-۲- عدم برخورداری از حمل‌ونقل مدرن:

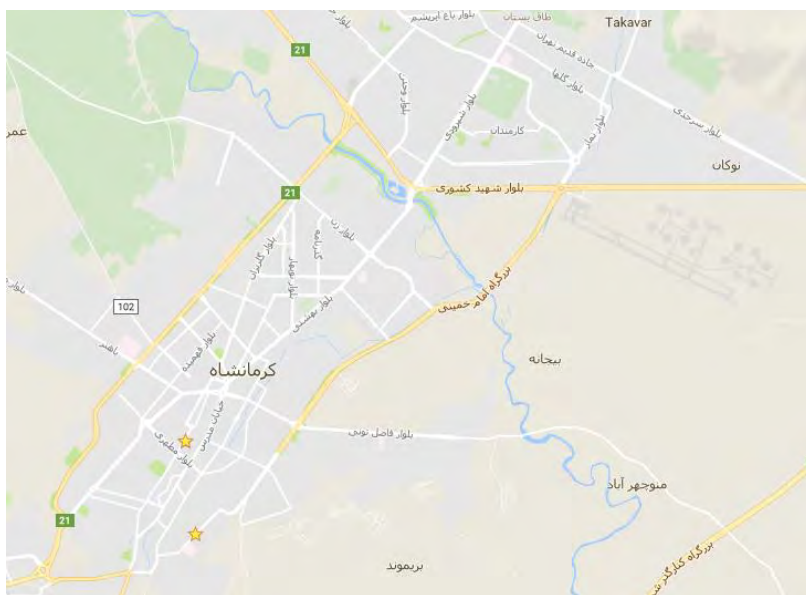
عدم هارمونی در هندسه‌ی شهری شرایط دستیابی به یک حمل‌ونقل مدرن را برای کلان‌شهری همچون کرمانشاه دشوار می‌سازد. به‌عنوان مثال چنانچه از نقشه‌ای شهر کرمانشاه پیداست، این شهر نمی‌تواند ظرفیت بیشتر از یک خط قطار شهری را داشته باشد. وجود فضاهای خالی مثل زمین‌های کشاورزی یا غیرمسکونی همچون شرکت نفت، حکم می‌کند که خطوط دیگر قطار شهری از نقاطی خالی از سکنه عبور کنند که مستلزم هزینه‌های غیرقابل‌توجیه است. علاوه بر این دستیابی یک سیستم حمل‌ونقل مدرن به بسیاری نقاط شهر، به دلیل عدم ارتباط آنان با یک مرکزیت وحدت‌بخش و عدم هارمونی هندسی غیرممکن است.

به‌تبع عدم وجود یک هارمونی هندسی در شهر کرمانشاه، جایابی کمربندی‌های اصلی شهر، به طریقی است که دسترسی به آن‌ها را با دشواری‌های مواجه می‌سازد. چنانچه هیچ سازگاری با مرکزیتی وحدت‌بخش در شهر ندارند. ظرفیت کشیدن کمربندی دیگری هم وجود ندارد. این امر عبور و مرور را در شهر مختل می‌کند.

۵-۳- تولید زیست روستایی:

با گسترش بدون قاعده‌ی شهر، روستاهای حاشیه در میانه شهر قرار می‌گیرند و این امر بدون هیچ‌گونه تدبیری درباره حل شدن این روستاها در شهر اتفاق می‌افتد. در این بستر فرهنگ روستایی بدون هیچ تغییری خود را بازتولید می‌کند و بعضاً در جوار شهر آسیب‌های اجتماعی‌ای را متوجه می‌شود که شهر را نیز در معرض این آسیب‌ها قرار می‌دهد. چنانچه دانشگاه رازی به‌عنوان یکی از نمادهای مدنیت‌دریکی از این محلات واقع شده (باغ ابریشم) و طبیعتاً تحت تأثیر مسائل و مشکلات آن است. این در حالی است که در اندیشه مدرن و کلاسیک اصل اساسی این است که فرد، خودش را در کل ببیند.

شکل ۱۳
عکس هوایی کرمانشاه



شکل ۱۴
نقشه کرمانشاه

نتیجه‌گیری

نظام‌های اندیشگی مدرن و کلاسیک که هر دو ادعای کشف حقیقت دارند، نظم و هارمونی منطقی را - به معنای سازواری و وقوف بر حقیقت- اصلی ضروری و ناظر به شکل‌گیری و توسعه یک شهر می‌دانند. طراحی شهری از طریق ایجاد شکل‌های سازگار، هماهنگ و بیانگرانه به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای در تحقق یک محیط معنی‌دارتر، مؤثر واقع می‌شود. نمودهای این نظم هندسی و هارمونی منطقی در شکل‌گیری و حیات بسیاری از شهرهای دنیا، که معماری و شهرسازی آن‌ها پایه در این نظام‌های فکری و فلسفی دارند، مشاهده می‌شود. شهر در این مفهوم از اجتماع روستاها و قبایل متفاوت است. ساختار شکلی شهر کرمانشاه نشان‌دهنده، آن است که فاقد نظم هندسی و هارمونی است. این عدم هارمونی علاوه بر ظهور در هندسه‌ی شهر در تراکم و توزیع جمعیتی نمود یافته و بازتولید زیست روستایی و عدم برخورداری از سیستم حمل‌ونقل مدرن را نیز موجب شده است. این عوامل به دلیل رشد بی‌برنامه شهر و عدم وابستگی طراحی شهری کرمانشاه به هیچ نظام فکری و فلسفی خود

را بروز می‌دهند. عدم تناسب در توزیع و تراکم و هندسه شهر نیز، در تصمیم‌گیری‌های کلان‌شهری و به‌خصوص انتخابات شورای شهر و مجلس شورای اسلامی اثرگذار است و ناهارمونی‌های رفتاری را به دنبال دارد. با این توضیح کرمانشاه اجتماعی از قبایل و روستاهاست. فلذا چشم‌انداز برنامه‌ریزی‌های کرمانشاه، باید به‌طوری باشد که بتوانیم حتی‌المقدور آن را به سمت برقراری این هارمونی در هندسه شهری، توزیع و تراکم جمعیتی و در نتیجه آن‌ها در رفتار اجتماعی نیز، ببریم. به‌عنوان مثال این تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند در کنترل مجوز تراکم، ساخت‌وساز در نقاط کم‌جمعیت و کم تراکم و کنترل ساخت‌وساز در حاشیه شهر ... نمود یابد.

منابع

۱. ابادری، یوسف علی و قلی پور، سیاوش (۱۳۹۱) فضای اجتماعی شهر کرمانشاه در دوره قاجار، *فصلنامه علمی-ترویجی پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۲ شماره ۱، ۹ تا ۳۷
۲. ابن سینا، ابوعلی حسین ابن عبدالله، (۱۴۱۳ق)، *المباحثات*، تحقیق و تعلیق محسن بیدادفر، تهران: انتشارات بیدار
۳. احمدی، حسن (۱۳۹۰) شهر سنتی - شهر مدرن - یک تحلیل مقایسه‌ای، *خلاصه مقالات اولین سمینار مشترک معماری و شهرسازی و ابنیه تاریخی*، ۲۲-۲۳
۴. استروفسکی، واسلاف (۱۳۹۵) *شهرسازی معاصر (از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن)*، ترجمه لادن اعتصامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ ششم
۵. استرلین، هانری (۱۳۸۱) *دائرة‌المعرف معماری جهان*، ترجمه ی نادر روزرخ، تهران: نشر فرهنگان
۶. ۵. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۹۱) *حس وحدت؛ نقش سنت در معماری ایرانی*، ترجمه ی ونداد جلیلی، تهران: مؤسسه علم
۷. افلاطون (۱۳۸۴)، *دوره آثار افلاطون*، ترجمه ی محمد حسن لطفی و رضا کاویانی، جلد چهارم، نشر خوارزمی
۸. بحرینی، سید حسین (۲۳۹۸) *فرآیند طراحی شهری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم
۹. بحرینی، سید حسین و حسینی وحدت، عبدالکریم (۱۳۹۲) شکل‌گیری و شکل‌دهی شهر در دو پارادایم مدرنیسم و پست مدرنیسم، *فصلنامه محیط‌شناسی*، شماره ۳، ۵۴۱ تا ۵۵۸
۱۰. بختیار نصرآبادی، آمنه- پورجعفر، محمدرضا و تقوایی علی اکبر (۱۳۹۵) تحلیلی بر نقش زیباشناسانه هندسه در شکل‌گیری فضای شهری چهارباغ عباسی، *فصلنامه مطالعات شهری*، شماره هفدهم، ۴۱ تا ۵۲
۱۱. بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۴) جایگاه کیهان‌شناختی دایره و مربع در معماری مقدس (اسلامی)، *فصلنامه هنرهای زیبا*، شماره ۲۴، ۵ تا ۱۴
۱۲. بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۰)، «*ارزشهای جاودان در هنر اسلامی*» در *جاودانگی و هنر*، ترجمه ی سید محمد آوینی، انتشارات برگ، تهران
۱۳. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۴) *تاریخ شهر و شهرنشینی در اروپا (از آغاز تا انقلاب صنعتی)*، تهران: نشر آرمانشهر، چاپ چهارم

۱۴. تقوی، عابد و هاشمی زرج آباد، حسن و مسعودی، ذبیح الله (۱۳۹۳) درون گرایی و بازتاب اصل محرمیت در معماری ایرانی - اسلامی نمونه پژوهش میدانی: خانه های تاریخی بیرجند، *فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، شماره ۳۴، ۱۲۳ تا ۱۴۶
۱۵. توسلی، محمود (۱۳۷۶) *قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران پاپکین، ریچارد (۱۳۷۸) استرول، آروم، *کلیات فلسفه*، ترجمه: سیدجلال الدین مجتبوی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ پانزدهم
۱۶. تقوایی، ویدا (۱۳۹۱) از نظم تا بی نظمی در طبیعت و معماری، *فصلنامه علمی- پژوهشی هویت شهر*، سال ششم، شماره یازدهم، ۳۹ تا ۵۲
۱۷. پاپکین، ریچارد و استرول آروم (۱۳۷۸) *کلیات فلسفه*، ترجمه ی سید جلال الدین مجتبوی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ پانزدهم
۱۸. پالمر، دونالد (۱۳۸۹) *نگاهی به فلسفه*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم
۱۹. تقوایی، مسعود و سرایی، محمد حسین (۱۳۸۲) گسترش افقی شهر و ظرفیت های موجود زمین، *پژوهش های جغرافیایی*، شماره ۵۵، ۱۳۳ تا ۱۵۲
۲۰. رهنورد، زهرا (۱۳۸۸) *حکمت هنر اسلامی*، تهران: انتشارات سوره مهر
۲۱. شجاع، پریسا، ۱۳۹۴، نمود زیبایی شناسی ملاصدرا در معماری، کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی، https://www.civilica.com/Paper-ICOHACC01-ICOHACC01_581.html
۲۲. قلی پور، سیاوش و کاظمی، علی و رضایی، مصطفی (۱۳۹۳) بازگشت طرد شدگان، ظهور سکونت گاه های غیر رسمی در کرمانشاه. *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی*، ۶۳-۸۷
۲۳. طاهری، الولقاسم (۱۳۸۹) *تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب*، تهران: نشر قومس، چاپ دهم
۲۴. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۹) *تاریخ فلسفه سیاسی غرب از آغاز تا سده های میانه*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ پانزدهم
۲۵. عامری سیاهویی و زند، صابر (۱۳۹۳) *تاریخ شهر و شهرسازی در جهان*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
۲۶. قادری، حاتم (۱۳۸۸) *ایران و یونان*، تهران: نگاه معاصر، چاپ اول
۲۷. کلارک، جی.آی و کلارک، بی.دی. کلارک (۱۳۹۵) *کرمانشاه شهری در ایران*، سیاوش قلی پور، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی، چاپ اول
۲۸. کورت گروتز، یورک (۱۳۸۸) *زیبایی شناسی در معماری*، ترجمه ی جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
۲۹. مددپور، محمد (۱۳۷۴) *تجلیات حکمت نبوی در هنر اسلامی*، تهران: امیرکبیر، چاپ اول
۳۰. ناصرالدین شاه (۱۳۷۲) *سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات عالیات*، به کوشش محمد رضا عباسی و پرویز بدیعی، تهران: سازمان انتشارات اسناد ملی ایران

۳۱. نقره کار، عبدالحمید و همکاران (۱۳۷۸) **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی**، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی- دفتر معماری و طراحی شهری، چاپ اول

۳۲. یاراحمدی، مجید (۱۳۷۸)، **بسوی شهرسازی انسانگرا**، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول

33. Akerman, A. (2000), Harmonies of urban design and discords of city form, Urban aesthetics in the rise of western civilization. *Journal of Urban Design*, Vol. 5, No. 3, 267-290
34. Akkach, Samer (1115) *Cosmology and Architecture in Premodern Islam*, New York: State University of New York Press
35. Kiania, Zohreh & Amiriparyan, Peyman (2016) The Structural and Spatial Analysing of Fractal Geometry in Organizing of Iranian Traditional Architecture, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 216 766 – 777
37. Marrozzi, Justin (2016) *Story of cities #3: the birth of Baghdad was a landmark for world civilisation*, <https://www.theguardian.com/cities/2016/mar/16/story-cities-day-3-baghdad-iraq-world-civilisation>
38. MASSEY, D. S. and DENTON, N. A. (1993) Trends in the residential segregation of Hispanics, Blacks and Asians: 1931-1991, *American Sociological Review*, Vol. 58, No. 6, 314-311
39. Wishler, Kim (2016) Story of cities #12: *Hausmann rips up Paris – and divides France to this day* from <https://www.theguardian.com/cities/2016/mar/31/story-cities-12-paris-baron-hausmann-france-urban-planner-napoleon>